

تاریخ ادبیات ایران و ادبیات معاصر

ترجمه و تألیف فاضل دانشمند آقای رشید یاسمی

در میان اینهمه گنجینه های ادبیات که قریحه سخن گستران هوشمند در هر گوشه گیتی گرد آورده و میراثی گرانبها از بدایع فکر خویش بجهان بشریت هدیه داده اند گنج ادبیات کشور باستانی ایران که ذوق فیاض و فکر افسونکار ایرانی گرد آورده و مورد مطالعه صاحب نظران جمال شناس گذاشته است از همه آگنده تر و گرانبها تر است. ادبیات ایران را در حقیقت میتوان مرکز تجلی و فروغ تمام آزمایش های ذوقی بشریت شناخت زیرا موقعیت طبیعی این کشور کهن ویرا میان منزل سیر افکار خاوری و باختری قرار داده و اشعه ادبیات هر کشوری بآن تافته و در پرتو آفتاب تابنده و درخشان وی که هر ذوقی را بهیجان آورده دامنه جولان پند را وسیع میسازد و ذهن را روشن میکند هنرمندان و خداوندان ذوق ایرانی افکار گوناگون را آب و رنگ ایرانی بخشیده و با مهر ایرانی در دنیائی که تشنه مطالعه آثار بزرگ ادب است پراکنده ساخته اند.

از همین نظر دانشمندان ادب شناس از دیرباز مطالعه و تحقیق در ادبیات ایران و تجلیات آن را غنیمت شمرده و سالیان دراز در شناختن اسرار دلفریبی آن رنجها برده و نتایج جستجو های خویش را در کتب متعددی که به بسیاری از زبان های بیگانه مدون گشته است چاپ و منتشر کرده اند. در میان این محققین

و فضایل بیگانه مرحوم پروفیسور ادوارد برون بیش از همه با شیفتگی و عشق باین سرچشمه زاینده ادب توجه داشته و در جزء سایر خدماتی که در چاپ نسخ قدیمه کتب ایرانی کرده است دوره مفصل تاریخ ادبیات ایران را در چهار جلد از دوره هخامنشی تا اواخر قرن سیزدهم هجری بچاپ رسانده است .

این کتاب مفصل که بسبب کتب انتقادی اروپائی تنظیم یافته دارای مزایا و فوائد بیشمار است .

نخست آنکه مؤلف در مباحث مختلفه کتاب بیشتر توجه خویش را بتاریخ تحول فکری ایران معطوف ساخته و به تحقیق شعر و نثر تنها از اینجهت که مظهر این تحول است و افکار مختلفه عرفانی و فلسفی در آن منعکس گشته پرداخته است و این کیفیت کتاب ویرا از دیگر کتبی که در قسمت تاریخ ادبیات ایران نگاشته شده ممتاز کرده است .

دوم آنکه مؤلف با بیطرفی محض و دوری از مداخل اعتیادی که در بسیاری از کتب تاریخ ادبیات دیده میشود به بیان سبک ها و درجه اهمیت و استادی شعراء و نویسندگان پرداخته حساب ساده و روشنی از ادبیات ایران بدست داده است که برای دانشجویان رشته ادبیات و مردمی که خریدار کالای ادبند بی نهایت سودمند و مغتنم است .

فایده سوم آن است که مؤلف دامنه تحقیق و کنجکاوی ادبی خویش را تا قرن سیزدهم هجری ادامه داده و سیر ادبی دو قرن اخیر را در حکمت و فلسفه و عرفان و غیره در جلد چهارم کتاب خویش تشریح کرده است و از این جهت میتوان این جلد مخصوص را از لحاظ آنکه مانندش ندره تالیف و تدوین گشته بر سایر مجلدات کتب امتیاز داد و برای کلیه طلاب دانش مراجعه بآن را از لوازم شمرد .

جای خوشبختی است که شاعر و دانشمند فاضل آقای رشید یاسمی استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان ایران باشاره وزارت معارف همت بترجمه

و چاپ جلد چهارم گماشته و آنرا با ذیلی مفصل در قسمت ادبیات معاصر با قطعی زیبا و نفاست طبعی که شایسته تمجید است منتشر ساخته اند.

کسانیکه بزبانهای بیگانه آشنائی دارند می دانند که ترجمه کتب و قطعات ادبی یک زبان بزبان دیگر تا چه درجه دشوار و احياناً ممتنع است زیرا اگر باید حق یک رساله یا قطعه شعری را ادا نمود بر مترجم لازم است که نه تنها تعبیرات و مفاهیم یک زبان را بزبان دیگر برگرداند بلکه قلم وی باید آنقدر توانا و کار کشته باشد که سبک های مختلف و گوناگون را با فریبندگی که ویژه آنهاست نشان بدهد و همه گونه سخن را از نظم و نثر و اشعار پهلوانی و غنائی و فلسفی بایک شیوه جلوه نداده باشد.

این دشواری بر خلاف تصور بسیاری از نویسندگان در ترجمه آثار بیگانه بزبان مادری و بومی مترجم زیاد تر است مخصوصاً کتاب علمی و فاضلانۀ مانند تاریخ ادبیات ایران که پر از شواهد و امثال است و مؤلف یکبار بدوق خویش از زبان فارسی بزبان خویش برگردانده و مترجم باید بار دیگر عین آن شاهد یا مثل را در ادبیات فارسی پیدا کند و اگر جز این بشود باید تصدیق کرد که حق ترجمه را چنانکه شایسته است رد نکرده و ذمه خویش را بری نساخته است.

مترجم دانشمند این کتاب که خود از شعرا و نویسندگان مهم این کشورند این وظیفه را بواقعی ادا نموده و با آن شیوایی بیان و لطف تعبیر و جزالت کلامی که ویژه ایشان است ترجمه این کتاب را چنانکه باید تعهد کرده اند بطوریکه می توان آن را سرمشق انشاء موجز و سلیس شناخت و بوسیله آن ثابت کرد که زبان فارسی در ادای مفاهیم و تعبیرات بیگانه ذره نادار و ناتوان نیست.

و اما قسمت ادبیات معاصر که تالیف ایشان است و بمنظور تکمیل کتاب مرحوم برون تدوین گشته از وسعت اطلاع و عمق فکر و درجه فضل مؤلف محترم حکایت می کند زیرا با روشنی و صراحتی که ویژه هنرمندانست جلوه های گوناگون فکر ایرانی را در این دوره اخیر در شعر و نثر و ترانه و تیاتر و داستانسرای و غیره

تشریح کرده و نه تنها از مدح و تمجید گویندگان معاصر که هنوز آثارشان گرد ایام نخورده و بقا و خلودشان معلوم نیست تر زده اند بلکه تمام توجه خویش را به بیان تحولات فکری و ادبی معطوف ساخته و همت کرده اند تا این ذیل زیبارا از حالت یک جنگ شعری خارج نموده بصورت رساله تحقیقی و علمی در آورند .

اما در قسمت ادبیات معاصر تألیف فاضل محترم یک نقص بزرگ دیده می شود و آن اینست که مؤلف در ذکر شعرا و نثر نویسان عصر کنونی نامی از خویشتن نبرده و نمونه از آثار نظمی و نثری خویش را بچاپ نرسانده اند . شاید از آن نظر که خواسته اند کتاب خود را از شیوه تذکره نویسان که در پایان کتاب قسمت مفصلی را بدرج آثار خویش وقف می کنند خارج کرده باشند ، بتوان از این نقیصه در گذشت اما گوینده ای که خود صاحب مؤلفات نثری بسیار و دیوان شعراست نمیتواند هنگام نوشتن تاریخ از آنچه لازمه حقیقت نویسی ادبی است صرف نظر کرده و اقلاصفحه را ویژه خویش نسازد . جای مسرت است که انشاء روان و گیرنده فاضل محترم در تمام سطور کتاب هویدا است و شاگردان ادبیات می توانند با مطالعه این کتاب بسیار زیبا و نفیس که مورد استفاده عامه طبقات خواهد بود ضمناً بمقام ادبی مؤلف محترم آشنا شوند و نیازمند قسمتی مخصوص نباشند .

هم تو در بند زلف خویشتمنی

ترسم آن نوش لب ز کم سخنی	در زبانها فتد به بیدهنی
گر چه در زلف تست جای دلم	در میان دل غمین منی
تا بدانی که از لطافت حسن	هم تو در بند زلف خویشتمنی
ابوالقاسم کازرونی (از شعرای عصر صہوی)	